

بررسی تحول فرهنگ جنسیتی در کتب درسی
(مطالعه‌ای تطبیقی پیرامون کتاب‌های فارسی اول ابتدایی
سال‌های ۱۳۵۷، ۱۳۶۲ و ۱۳۸۲)

علی‌اکبر تاج مزینانی*

مهدیه حامد**

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۲۲

چکیده

طی دهه‌های اخیر، تغییرات بسیاری در کتب درسی صورت گرفته است. تحقیق حاضر با تمرکز بر سه دوره تغییرات کتاب فارسی ابتدایی، به بررسی تحولات فرهنگ جنسیتی^۱ می‌پردازد. برای این منظور، محتوای آشکار و پنهان کتاب

*. استادیار برنامه ریزی رفاه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

atmazinani@yahoo.com

**دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه

mahdie.hamed@gmail.com

علامه طباطبائی. (مکاتبه کننده)

1. gendered culture

فارسی در سه سال تحصیلی ۱۳۵۷، ۱۳۶۲ و ۱۳۸۲ با رویکردی استقرایی و به روش تحلیل محتوای کیفی، مورد مطالعه قرار گرفت. مقولات مرتبط با سئوالات این تحقیق، با سه تکنیک کد گذاری باز، محوری و گزینشی، استخراج شد. کدهای مربوطه نیز با به کارگیری تکنیک کمی، شمارش شدند. یافته‌ها نشان از جنسیتی شدن فضا، نقش‌ها، تفریحات و ابراز احساسات در هر سه دوره دارند. همچنین جامعه پذیری نقش‌های جنسیتی توسط والدین در دو دوره نخست و جنسیتی شدن استقلال کودک تنها در دوره آخر دیده می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد در سه دوره مورد بررسی، هویتی جنسیتی شده منعکس شده است که البته در دوره آخر این موضوع کم‌رنگ‌تر شده است. به عبارت دیگر، در برخی موارد، تفاوت بین دو جنس به میزان اندکی کمتر شده است.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ جنسیتی، نظام آموزشی، کتاب فارسی، هویت

جنسیتی شده، جنسیتی شدن

مقدمه

جنسیتی شدن امور و تبدیل هر امری به دوگانه زنانه- مردانه، یکی از مسائل مهم در حوزه جامعه‌شناسی فمینیسم به شمار می‌آید. فرهنگ و هنجارهای اجتماعی، نقش تعیین کننده‌ای در جنسیتی شدن امور دارند؛ به طوری که می‌توانند تولید کننده یا بازتولید کننده دوگانه‌های زنانه - مردانه در امور روزمره و یا حتی اصلاح کننده آن باشند. جنسیت به عنوان برساخته‌ای اجتماعی و متغیری فرهنگی، تحت تأثیر مؤلفه‌های عینی و ذهنی آموزش قرار می‌گیرد؛ چرا که "جنسیت"، «ناظر بر ویژگی‌های شخصیتی و روانی‌ای است که جامعه آن را تعیین می‌کند و با زن یا مرد بودن و به اصطلاح «زنانگی» و «مردانگی» همراه است» (گرت، ۱۳۸۵: ۱۲). از این رو، افراد به تدریج هنجارها و توقعات اجتماعی متناسب با جنس خود را درونی می‌سازند. بنابراین، چه آموزش‌های آشکار و رسمی که در مدارس و آموزشگاه‌ها به افراد داده می‌شود و چه آموزش‌های

بررسی تحول فرهنگ جنسیتی در کتب درسی ... ۷۵

پنهانی که از طریق رسانه، زبان، خانواده و یا مدرسه - به واسطه محتوای کتب درسی و یا معلم‌ها - به کودکان القا می‌شود همگی در شکل‌گیری هویت افراد موثرند. اغلب صاحب نظران جامعه‌شناسی بر این باورند که «آموزش رسمی و محیط مدرسه یکی از کارگزاران اصلی اجتماعی شدن است که در رقابت با دیگر عوامل جامعه‌پذیری می‌تواند نگرش، اعتقاد و رفتار مخاطبان خود را تحت تاثیر قرار دهد» (برینت^۱ و دیگران، ۲۰۰۱؛ کالینز^۲، ۱۹۷۷؛ وایتزمن^۳ و دیگران، ۱۹۷۲؛ کاربیل و هارسی^۴، ۱۹۷۷؛ افشانی و همکاران، ۱۳۸۸).

از جمله مسائلی که در زمینه پژوهش‌های جنسیتی، توجه جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است «فرهنگ جنسیتی» است. این مفهوم، اشاره به این امر دارد که «اختلاف بیولوژیک میان زنان و مردان، اساس تفاوت‌های اجتماعی آن‌ها نیست، بلکه نظام‌های آموزشی و فرهنگی جوامع انسانی هستند که «زن» و «مرد» را به مثابه دو برساخته اجتماعی پرورش می‌دهند و از طریق آن‌ها نظام مردسالار را تولید و بازتولید می‌کنند» (فکوهی، ۱۳۸۹). بنابراین، در تعریف «فرهنگ جنسیتی» باید گفت این مفهوم اشاره به فرایندی آموزشی دارد که نوع خاصی از فرهنگ را تولید و بازتولید می‌کند و این فرهنگ نیز به نوبه خود، شیوه رفتار، انتظارات و نیازهای متفاوتی را برای زنان و مردان تعریف می‌کند و در نتیجه، این فرهنگ، تلقی افراد جامعه از هر امری را با دو گانه زنانه - مردانه گره می‌زند.

فرهنگ جنسیتی، یکی از مؤلفه‌های اساسی جامعه‌پذیری در آموزش‌های رسمی است و از همین رو کتاب‌های درسی که مهم‌ترین منبع آموزشی مورد استفاده کودکان هستند، اهمیت به‌سزایی می‌یابند. در همین زمینه، لی^۵ و کولینز^۶ (۲۰۰۸) با تحقیق بر

-
1. Brint
 2. Collins
 3. Weitzman
 4. Karbel and Halsey
 5. lee
 6. Collins

روی کتاب‌های درسی زبان انگلیسی در هنگ کنگ نشان می‌دهند از مجموع دفعاتی که کلمات مذکر و مؤنث در کنار همدیگر قرار گرفته‌اند در ۹۴ درصد موارد، ابتدا کلمه مذکر و سپس کلمه مؤنث ذکر شده است (به نقل از فروتن، ۱۳۹۰). همچنین به نقل از صادقی جعفری (۱۳۸۷) نتیجه پژوهش‌های انجام شده از سوی یونسکو در سال ۱۹۸۱، نشان داد که کلیشه‌های تبعیض آمیز جنسیتی، در کتاب‌های کودکان همه کشورهای مورد مطالعه وجود دارد و البته عمده آن‌ها به ضرر زنان است.

مجتهدی (۱۳۸۱) نیز در تحقیق خود نشان می‌دهد که محتوای کتاب‌ها به لحاظ کلمات، جملات، عبارات و متون به کار برده شده، نتوانسته نگرش‌ها و باورهای جنسیتی گوناگون مثبت را تقریباً به طور مساوی بین دانش آموزان توزیع کند؛ به این صورت که جایگاه دختران در کتاب‌های درسی ابتدایی، به جای ایجاد "حس بودن"، "حس نبودن" را ایجاد می‌کند. در تحقیق دیگری، شیخاوندی (۱۳۸۵) به این نتیجه دست یافته که در کتاب تعلیمات اجتماعی سال اول راهنمایی، تا حدی آگاهانه، تعادلی در تکوین هویت جنسیتی دختر و پسر برقرار شده است. اما بلافاصله، همان نویسندگان در کتاب‌های دوم و سوم راهنمایی به اصل خویش بازگشته و شاید ناخواسته، به کمرنگ کردن هویت جنسیتی ناپروورده دختران اقدام کرده‌اند. حجازی و براتیان (۱۳۸۶) بر این عقیده‌اند که اسامی، کلمات و ویژگی‌های مردانه در کتاب‌های درسی، غلبه کامل دارند. این تحقیق در ادامه نشان می‌دهد وظایف خانگی زنان در کلیه پایه‌ها بیشتر از مردان است و در پایه پنجم، ۱۰۰ درصد موارد به زنان اختصاص دارد. تقسیم وظایف خانگی، معرف حضور کلیشه‌های جنسیتی است و نهایتاً نتیجه می‌گیرند که به طور کلی، حضور مردان در مدرسه، محل کار، جامعه، صحرا و فضاهای آزاد، بیشتر از حضور زنان است. در رابطه با نقش‌ها نیز افشانی و همکاران (۱۳۸۸) نتیجه می‌گیرند که زنان، بیشتر در نقش‌های کودکی و نوجوانی و مردان عمدتاً در نقش‌های بزرگ سالی به تصویر کشیده شده‌اند و محتوای کتاب‌های درسی، شخصیت مادر را بیش از پدر منعکس کرده‌اند. همچنین تعداد و تنوع مشاغل معرفی شده در محتوای کتب درسی نیز افزایش یافته است. با این همه،

در سال‌های اخیر، نسبت مشاغل زنان به کل مشاغل، کاهش، اما در مورد مردان، افزایش داشته است. فروتن (۱۳۹۰) نتیجه می‌گیرد که همبستگی معنا داری بین «پدیده تقدم مرد» و دوره تحصیلی وجود دارد که این امر نیز نهایتاً به افزایش شکاف جنسیتی منجر می‌شود.

چنان که در تحقیقات پیشین مشاهده می‌شود، در دل مفهوم فرهنگ جنسیتی، نابرابری‌های جنسیتی وجود دارد که تهدید کننده زنان، مردان و حتی اخلاق و انسانیت است؛ چرا که هویت افراد در متن همین فرهنگ بی توجه به برابری، شکل خواهد گرفت. در چنین جامعه‌ای افرادی که در دو سوی پیوستار نابرابری جنسیتی قرار می‌گیرند کسانی هستند که یا خود را بی ارزش می‌دانند و از عزت نفس برخوردار نیستند و یا چنان خودمحور هستند که برای نیل به خواسته‌های خود، دست به اقدامات خشونت آمیز می‌زنند؛ همان گونه که در سطح جامعه، شاهد مواردی از شدیدترین خشونت‌هایی هستیم که بر اثر باورهای نادرست جنسیتی به وجود آمده است. به عنوان مثال، قتل‌های ناموسی و سایر خشونت‌های کوچک و بزرگ خانگی که زنان قربانیان آنها هستند، همگی ریشه در همین فرهنگ جنسیتی جامعه دارد؛ فرهنگی که با توجه به نتایج تحقیقات مزبور، عمدتاً به یکی از اشکال آن، یعنی مردسالاری، قابل رؤیت است. از این رو، نقش موثر نظام‌های رسمی آموزشی به عنوان نهادی فرهنگ ساز، ما را با این پرسش مواجه می‌کند که اساساً فرهنگ جنسیتی به چه شکل در قالب کتاب‌های درسی نمود یافته است؟ و چگونه در طی زمان، تحول یافته است؟

در سال‌های اخیر در سطح جهان، تغییرات عمده‌ای در راستای رفع نابرابری‌های جنسیتی رخ داده است. ایران نیز باید گام‌های مؤثرتری در این زمینه بردارد؛ چرا که مقوله بندی‌های جنسیتی، باعث تک قطبی شدن جامعه و محرومیت زنان از فضای پیشرفت و نهایتاً محرومیت کشور از خلاقیت‌ها و استعدادها و توانایی‌های بالقوه زنانی می‌شود که به فرصت‌های برابر دست نیافته‌اند، و همین امر نیز بر کیفیت زندگی آحاد جامعه و توسعه کشور به ویژه توسعه فرهنگی تاثیر منفی خواهد گذارد. از آن جا که

نقش برجسته نظام آموزشی هر کشور به جهت تولید و بازتولید فرهنگ، روشن است و نیازی به توضیح ندارد، جایگاه کتاب‌های درسی نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر برساخت اجتماعی، دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ بویژه کتاب فارسی که در آموزش مستقیم کودکان، نقش اساسی دارد.

اهمیت و ضرورت انجام چنین تحقیقاتی از آن رو است که به انباشت علمی درباره این موضوع می‌انجامد. برخی تحقیقات پیشین که به مفاهیم جنسیتی شدن در کتاب‌های درسی پرداخته‌اند، به روند تحولات آن در طی تغییرات کتب درسی التفاتی نداشته‌اند. بنابراین، تحقیق حاضر برای رفع این خلأ مطالعاتی، اهمیت به سزایی دارد. همچنین با کشف نقاط ضعف و قوت این تغییرات، سازمان‌ها و نهادهای دست‌اندرکار تدوین کتب می‌توانند در جهت تدوین و بازنگری مجدد کتاب‌های درسی و حتی کتاب‌های غیر درسی کودکان و نوجوانان، اقداماتی صورت دهند تا بتوانیم شاهد دستیابی به فرصت‌های برابر بین دختران و پسران و متعاقباً، رشد و بالندگی استعداد‌های هر دو گروه و جامعه به شکل مطلوب باشیم. بر این اساس، در پژوهش پیش رو به دنبال دستیابی به فهمی دقیق از روند تحولات فرهنگ جنسیتی در کتاب‌های فارسی سال اول مقطع ابتدایی، در سه دوره ۱۳۵۷، ۱۳۶۲ و ۱۳۸۲ بر آمده‌ایم. بدین منظور، به سه محور اصلی به شرح زیر پرداخته شده است:

- شناخت مقولات کلی فرهنگ جنسیتی هر سه کتاب فارسی اول دبستان دوره‌های ۱۳۵۷، ۱۳۶۲ و ۱۳۸۲.

- مقایسه بین مقولات به دست آمده از سه کتاب دوره‌های ۱۳۵۷، ۱۳۶۲ و ۱۳۸۲ در قالب یک نگاه کلی.

- ارزیابی تغییرات مفاهیم «زنانگی» و «مردانگی» طی سه دوره ۱۳۵۷، ۱۳۶۲ و ۱۳۸۲.

تعریف مفهومی فرهنگ جنسیتی

«فرهنگ جنسیتی»، مهم‌ترین متغیر مقاله حاضر است که برای بیان مفهوم آن، از دو مفهوم «فرهنگ» و «جنسیت»، بهره گرفته شده است:

فرهنگ: در تعریف تیلور، «فرهنگ مجموعه‌ای از قابلیت‌ها، رفتارها، عادات و محصولات انسانی، اعم از اشیاء مادی، فنون، سنت‌ها، ارزش‌ها، باورها و غیره است که انسان همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد» (به نقل از فکوهی، ۱۳۸۳: ۷۲). وقتی جامعه شناسان از فرهنگ سخن می‌گویند «مقصودشان آن دسته از جنبه‌های جوامع بشری است که آموخته می‌شوند، نه آنهایی که به صورت ژنتیکی به ارث می‌رسند. فرهنگ یک جامعه هم شامل جنبه‌های نامحسوس - عقاید، اندیشه‌ها و ارزش‌هایی که محتوای فرهنگ را می‌سازند - و هم [شامل] جنبه‌های ملموس و محسوس می‌شود - اشیاء، نمادها یا فناوری که باز نمود محتوای یاد شده است. هنجارها قواعدی برای رفتارند که ارزش‌های یک فرهنگ را منعکس می‌کنند یا تجسم می‌بخشند. ارزش‌ها و هنجارها در کنار یکدیگر به چگونگی رفتار اعضای یک فرهنگ در محیط اجتماعی شان شکل می‌دهند» (گیدنز، ۱۳۸۸: ۳۵).

جنسیت: شامل «رفتارها، نقش‌های اجتماعی و اندیشه‌های اجتماعی است که فرهنگ حاکم بر هر جامعه‌ای آن را به عهده دو جنس زن و مرد می‌گذارد. در ارتباط با نقش‌های جنسیتی افکار قالبی در مورد هر دو جنس در جامعه مشاهده می‌شود، که دامنه انتظارات را از هر دو جنس طرح ریخته و تعیین می‌کند» (نرسیسیانس، ۱۳۸۵: ۱۵). «در حالی که جنس به تفاوت‌های فیزیکی بدن اشاره می‌کند، جنسیت به تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان مربوط می‌شود. تمایز میان جنس و جنسیت تمایزی اساسی است زیرا بسیاری از تفاوت‌های میان مردان و زنان دارای منشاء زیست‌شناختی نیستند» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۹۷).

تنها از طریق جنسیت می‌توانیم دیگران را درک کنیم. «اصولاً ما انسان خنثی نداریم و چیزی به نام کاغذ سفید وجود ندارد. مردم با این نگرش ما را می‌فهمند و این تنها شیوه درک ماست. در واقع، ما تنها به صورت فرهنگی قابل فهم هستیم» (Butler, 1990: 16-17). همچنین نزد باتلر «جنسیت تنها چیزی نیست که افراد آن را انجام می‌دهند (آن گونه که نظریه کنش متقابل نمادین معتقد بود) بلکه شیوه تفکر و اندیشیدن در باره دنیایی است که ما در آن افراد را به زن و مرد تقسیم می‌کنیم، جنسیت چیزی است که در ما شکل می‌گیرد اما این شکل‌گیری ناشی از اندیشه افراد دیگری است که باورهای درباره جنسیت دارند» (هولمز، ۱۳۸۹: ۸۳-۸۱). بنابراین، جنسیت، پدیده‌ای طبیعی نیست «بلکه در جریان تعامل ساخته می‌شود. در این تعاملات مردان و زنان خود تابع کلیشه‌هایی هستند که چگونگی رفتار آن‌ها را از قبل مشخص ساخته است اما درست مثل بازیگران یک نمایش آپرا از اندکی آزادی برخوردارند. به طوری که در بعضی موارد می‌توانند تا حدی متفاوت عمل کنند» (همان: ۸۵).

فرهنگ جنسیتی: با توجه به تعاریف ارائه شده از فرهنگ و جنسیت، رابطه این دو را می‌توان به این صورت بیان کرد: «ساختار اجتماعی و فرهنگی همه جوامع انسانی به شدت متأثر از تفاوت‌های جنسیتی است که غالباً علمی یا طبیعی نمایانده می‌شود، اما در واقع برساخته اجتماع اند و به ویژه متأثر از تصورات قالبی و ایدئولوژی‌های جنسیتی هستند» (جنکینز، ۱۳۸۱: ۲۷۴). بنابراین، «فرهنگ جنسیتی» اشاره به فرایندهای آموزشی دارد که به تولید و بازتولید فرهنگی دست می‌زنند و در عین حال خود نیز متأثر از مقوله بندی‌های جنسیتی جامعه‌اند. به موجب چنین فرهنگی، شیوه رفتار، انتظارات و نیازهای متفاوتی برای زنان و مردان تعریف می‌شود که در نهایت، تلقی افراد جامعه از هر امری را با دو گانه زنانه- مردانه گره می‌زند. منظورِ نظر این تحقیق نیز همین تعریف است.

«جنسیت تجربه‌ای است که توسط بچه‌ها کسب می‌شود آن‌ها این تجربه را می‌آموزند و به تدریج درونی می‌کنند، یادگیری رفتارهای جنسیتی و تفاوت بین آن‌ها با

بررسی تحول فرهنگ جنسیتی در کتب درسی ... ۸۱

اجبار و زور صورت نمی‌گیرد» (تورن، ۱۹۹۳، به نقل از: هولمز، ۱۳۸۹: ۷۵). آموزش جنسیتی «عمدتاً از طریق زبان جنسیتی به دانش آموزان ارائه می‌گردد و هر قدر این زبان به نابرابری جنسیتی متمایل تر باشد تأثیر مخرب آن بر شخصیت دانش آموزان و زندگی اجتماعی آتی شان شدیدتر است» (محمدی اصل، ۱۳۸۹: ۲۳۱).

هویت، مجموعه دانسته‌های ما درباره خود ما و جهان پیرامون است. یکی از شیوه های کسب چنین دانسته هایی برنامه های درسی مدرسه است. «بنابراین هویت ما با توجه به رویه‌های کنترل و گزینشی که در برنامه‌های درسی مدارس اعمال می‌شود به شدت مورد حمله قرار می‌گیرد. هویت زن آن هویتی نیست که زنان آرزو می‌کنند» (اپل، ۱۹۷۵: ۹۹؛ به نقل از: قادری، ۱۳۸۷: ۸۴).

کلیات روش پژوهش

به منظور دستیابی به هدف این تحقیق که فهم دقیق روند تحولات است، از روش تحلیل محتوای^۱ کیفی با رویکرد استقرایی بهره گرفتیم با توجه به این که در این پژوهش با نقد متن سروکار خواهیم داشت، برای بررسی متن، هیچ شاخص خاصی از بیرون متن (بر اساس نظریه) در نظر گرفته نمی‌شود. بنابراین، رویکردی که در تکنیک تحلیل محتوای کیفی اتخاذ می‌کنیم، رویکرد استقرایی است. به بیان دقیق‌تر، تنها به منظور ایجاد حساسیت نظری، به مطالعه ادبیات نظری مربوطه پرداخته شده است و پس از آن، بدون استفاده از نظریه خاصی، به متن مراجعه شده است. در گام بعدی، با استفاده از کد

۱- می‌توان تعریف جامعی از تحلیل محتوا، اعم از کمی و کیفی ارائه کرد: «تحلیل محتوا عبارت است از «به کارگیری روشی قابل تکرار و معتبر برای برگرفتن استنباط‌هایی از محتوا در ارتباط با موقعیت‌ها یا ویژگی‌های منبع آن» (Krippendorff, et al., 1969: 103). به عبارت دیگر، «تحلیل کیفی محتوا، رویکردی برای تحلیل تجربی و روشمند و کنترل شده محتواها با استفاده از قواعد تحلیل محتوا و مراحل الگوهای آن است» (Mayring, 2000). در روش کیفی «پایه واحد اطلاعاتی، در واقع، حضور یا عدم حضور یک خصیصه است» (فاضلی، ۱۳۷۶: ۹۹؛ نقل از اسدی، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

گذاری باز، مضامین یا همان کدهای مرتبط با سئوالات تحقیق، حاصل شده است. گام بعدی نیز شامل کد گذاری محوری و تولید مفاهیم است. در انتها با کد گذاری گزینشی مورد نظر اشترواس، به ساخت مقولات دست یافتیم. شایان ذکر است که برای نام گذاری مقولات، از مفاهیمی بهره گرفته شده است که در بخش تعریف مفاهیم، به معرفی آنها خواهیم پرداخت.

با توجه به موضوع تحقیق حاضر و از آنجا که پایه تحلیل‌ها بر محتوای متون و تصاویر کتاب‌ها قرار گرفته است، بهترین روش در این نوع مطالعات، تحلیل محتواست. باید توجه داشت که «جمع آوری و دسته بندی کردن ارقام، لزوماً به معنای دستیابی به نتیجه تحلیل نیست و تحقیقات کیفی در تکمیل این روش شرط کافی می‌باشد» (رسولی و امیر آتسانی، ۱۳۹۰: ۲۲). از آن رو که این تحقیق، به محتوای آشکار و پنهان این متون می‌پردازد، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. در کنار این روش، از تحلیل محتوای کمی نیز جهت تحلیل نهایی داده‌ها بهره گرفته ایم. شایان ذکر است که تحلیل داده‌ها به صورت دستی انجام گرفته است.

گام‌های انجام تحقیق:

۱- نمونه‌گیری: در این پژوهش با توجه به روش اتخاذ شده که از نوع کیفی است، نمونه‌گیری مبتنی بر هدف یا نمونه‌گیری نظری، انتخاب شده است. در این نوع نمونه‌گیری «نمونه تدریجی و در فرایند شکل می‌گیرد و معیار انتخاب نمونه‌ها در آن، نیازهای تحلیلی و یا نظری محقق است» (ذکایی، ۱۳۸۱). محقق در این نوع نمونه‌گیری «به طور همزمان داده‌هایش را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعدی گردآوری نماید و آنها را در کجا پیدا کند.» (فیلیک، ۱۳۸۷: ۸۷).

بررسی تحول فرهنگ جنسیتی در کتب درسی ... ۸۳

با توجه به موضوع موردنظر این مطالعه، کتب درسی مورد استفاده در نظام آموزش رسمی کشور، انتخاب و سپس از میان این متون، سه سال تحصیلی ۱۳۵۷، ۱۳۶۲ و ۱۳۸۲ برگزیده شده است، معیار انتخاب سال‌های مزبور به این شرح است: کتاب‌های دو دوره قبل و بعد از انقلاب به سبب بروز تغییرات سیاسی-اجتماعی، در این بررسی گنجانده شده است. همچنین با توجه به این که کتاب‌های قبل از انقلاب تقریباً تغییرات بسیار اندکی داشته است، صرفاً کتاب سال ۱۳۵۷ به عنوان نمونه، مورد ارزیابی قرار گرفت. در ابتدای دهه‌های ۶۰ و ۸۰ نیز تغییراتی در متون درسی اعمال شده است که همین امر، ملاک انتخاب کتاب‌های این دو دهه بوده است. از آنجا که سال اول دبستان در قاعده هرم تحصیلات قرار می‌گیرد، کتاب‌های این سال مورد بررسی قرار گرفت. از میان کتب این سال نیز صرفاً کتاب فارسی به دلیل تکرر موضوعات اجتماعی در آن، مطالعه شده است.

در این تحقیق، واحد متن، هریک از دروس مطرح شده در سه کتاب مذکور است (به طور مثال، نخستین درس کتاب فارسی اول دبستان سال ۱۳۵۷، شامل تمام عبارات و تصاویر). واحد شمارش نیز تعداد کدهای داده شده به عبارات و تصاویری است که از مرحله کدگذاری باز استخراج شده‌اند. نهایتاً «مضمون» نیز به عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شد تا هر کلمه، جمله، سطر و یا تصویری را که در رابطه با موضوع است، بتوان کد گذاری نمود.

۲- کد گذاری اولیه (توسط کد گذاری باز): هر جمله یا تصویری که مربوط به سئوالات این تحقیق بود تبدیل به یک کد شده است.

مثال: (داده خام) ← مادر قاشق و بشقاب را می‌شوید.

(کد) ← ظرف شستن مادر.

۳- ساخت مفاهیم (توسط کد گذاری محوری): کدهایی که در مرحله قبل استخراج شده بود با یکدیگر تشکیل یک طبقه می‌دهند که ذیل عنوان مفاهیم، دسته بندی شده است.

۴- ساخت مقولات (توسط کد گذاری گزینشی): «مقوله سازی اهمیت فراوان دارد، و محقق را قادر می‌سازد تا هر مفهوم و نماینده آن را مشخص کند» (باردن، ۱۳۷۵: ۲۵۲). در این جا نیز مقولات ساخته شده به گونه‌ای است که چند مفهوم، ذیل یک مقوله فراگیرتر، یکی می‌شوند.

۵- ارزیابی پایایی: در این پژوهش برای ارزیابی پایایی تحقیق، از روش پیشنهادی میرینگ (۲۰۰۰) استفاده شده است که عبارت است از «بررسی مقولات در بین ۱۰ تا ۵۰ درصد از موارد مورد بررسی» (Mayring, 2000). از این رو، مقولات در بیش از ۶۰ درصد از داده‌های خام، مورد ارزیابی مجدد قرار گرفته است.

۶- مقایسه مقولات به دست آمده از هر کتاب با مقولات دیگر کتاب‌ها.

تعریف مفاهیم

برخی مفاهیمی که از آنها در عنوان بندی مقولات بهره گرفته شد به شرح زیر می‌باشند:

جنس و جنسیت: جامعه‌شناسان، تمایز مهمی میان جنس^۱ و جنسیت^۲ قائل‌اند. «اصطلاح «جنس» بر تفاوت‌های بیولوژیک میان زن و مرد دلالت دارد، حال آن که «جنسیت» ناظر بر ویژگی‌های شخصیتی و روانی است که جامعه آن را تعیین می‌کند و با مرد یا زن بودن و به اصطلاح «زنانگی» و «مردانگی» همراه است» (گرت، ۱۳۸۵: ۱۲). از نظر دروتی اسمیت^۳ (۲۰۰۵)، جنسیت «یک مقوله تعیین کننده و بسیار مهم در تحلیل اجتماعی است. جنسیت؛ خودها، نهادها، فرهنگ و سیاست‌های جامعه را ساخت می‌دهد» (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸). از این روی، جنسیت «برداشت عمومی از ماهیت طبیعی جنس را به چالش کشیده و فضایی را ایجاد نمود که در آن مرد بودن و زن بودن از نگاهی اجتماعی نگریسته شد و این باور شکل گرفت که بسیاری از نابرابری‌های

1. Sex

2. Gender

3. Dorothy Smith

بررسی تحول فرهنگ جنسیتی در کتب درسی ... ۸۵

اجتماعی تحمیل شده است، بنابراین امکان تغییر چنین باورهایی وجود دارد» (هولمز، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۴).

جامعه‌پذیری جنسیتی: از نظر گیدنز «کودکان از طریق تماس و ارتباط با کارگزاران گوناگون اجتماعی شدن اولیه و ثانویه، به تدریج هنجارها و توقعات اجتماعی متناسب با جنس خود را درونی می‌سازند» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۵۷). چنین بر می‌آید که جنسیت «به عنوان مقوله‌ای اجتماعی در جریان تفاسیر تعاملی و معانی برخاسته از معرفت عامیانه، تولید و بازتولید می‌شود. این شرایط البته وجه ایدئولوژیک دارند؛ زیرا به حفظ و استمرار ساخت جنسیتی حاکم بر جامعه یاری می‌رسانند. به عبارت دیگر هویت جنسیتی، هم از الگویی معنایی برخوردار است و هم این الگو به کمک ابزارهای نظیر زبان در جریان تعامل با نظم امور، تولید می‌شود» (محمدی اصل، ۱۳۸۹: ۱۹۹-۱۹۸).

نقش‌های جنسیتی: عبارت است از: «انتظارات غالب در یک جامعه در مورد فعالیت‌ها و رفتارهایی که مردان و زنان می‌توانند یا نمی‌توانند در آنها درگیر شوند» (کامی‌یر^۱ و همکاران، ۱۹۸۹: ۳۲۵؛ به نقل از: بستان، ۱۳۸۵). این مفهوم با مفهوم تقسیم کار جنسیتی یکسان نیست؛ زیرا مفهوم نقش، ناظر به انتظارات جامعه است که اساساً جنبه ذهنی دارند؛ در حالی که مفهوم تقسیم کار، به توزیع واقعی کارها و فعالیت‌ها اشاره دارد. به علاوه، مفهوم نقش، رفتارها و طبق برخی تعاریف، نگرش‌ها را نیز شامل می‌شود. مطالعات میان فرهنگی در دوران معاصر نیز بر جهان شمولی پدیده توزیع نقش‌ها بر حسب جنسیت مهر تایید زده‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۶۷۳؛ به نقل از: بستان، ۱۳۸۵).

تعاریف عملیاتی: پس از کد گذاری باز متن و تصاویر کتاب‌ها، هر کدام از کدها که منطبق بر هر یک از مفاهیم زیر بود، به عنوان مصداق و تعریف عملیاتی آن مفهوم در نظر گرفته شد:

- جنسیتی شدن: در این تحقیق، جنسیتی شدن هر مقوله‌ای، به مفهوم تفکیک یک امر واحد به دو شق زنانه و مردانه است؛ به طوری که از هر یک از آنها انتظار شیوه عمل خاصی وجود دارد. بنابراین، در تحقیق حاضر، هرگاه فعالیت یا حالتی عمدتاً از سوی جنس زن و فعالیت و حالت دیگری عمدتاً از سوی جنس مرد، به گونه‌ای انعکاس یابد که در تمام کتاب شاهد تداوم و حفظ آن باشیم، این امر را جنسیتی شدن آن فعالیت و حالت در نظر می‌گیریم.

- نقش‌ها: هرگونه رفتاری که افراد و شخصیت‌ها کتاب در جایگاه اجتماعی یا خانوادگی انجام می‌دهند، نشانه انتظاری است که از افراد وجود دارد و باید مطابق آن عمل کنند.

- تفریحات: برخی فعالیت‌ها شامل انواع بازی‌ها و سرگرمی‌ها و ورزش‌هایی که در کتاب‌ها منعکس شده‌اند.

- احساسات عاطفی: تمام حالات و رفتارهایی که بیانگر احساسات مثبت فرد نسبت به انسان‌ها، اشیا و یا حیوانات باشد.

- جامعه پذیری نقش‌های جنسیتی: آموزش‌هایی که در راستای نقش‌های جنسیتی به افراد داده می‌شود، معادل این مفهوم در نظر گرفته شده است.

- استقلال کودک از والدین: انجام فعالیت‌هایی از سوی کودکان به نحوی که آن فعالیت‌ها به تنهایی و بدون کمک والدین صورت گیرد.

یافته‌های تحقیق

پس از انجام سه مرحله کد گذاری باز، محوری و گزینشی (انتخابی) مورد نظر اشترواس و کوربین (۱۳۹۰) بر روی کتاب‌های فارسی اول دبستان در سه سال تحصیلی ۱۳۵۷، ۱۳۶۲ و ۱۳۸۲، تعدادی مقوله استخراج شد که در زیر، آن‌ها را به تفکیک بیان می‌کنیم.

۱- جنسیتی شدن فضا و مکان

اولین مقوله این تحقیق نشان می‌دهد فضاها و مکان‌های مورد استفاده هر جنس، متفاوت از یکدیگرند و تنها بخش کمی از فضاها و اماکن، برای هر دو جنس در نظر گرفته شده است (در متن درس‌های سه کتاب مذکور، تنها عبارات اندکی به فضا و مکان مورد استفاده افراد اشاره کرده است، اما تصاویر، به وضوح این مکان‌ها را نشان می‌دهند. بنابراین، مقوله مذکور، بیشتر از تحلیل تصاویر به دست آمده است). به عنوان نمونه، می‌توان از فضای زنانه خانه یاد کرد. در اکثر تصاویر مربوط به خانه، یا تنها زنان و دختران در خانه گرد آمده‌اند و یا مردان غالباً برای استراحت در آن‌جا حضور دارند. در نمونه دیگر، در اکثر تصاویر سال ۱۳۸۲، افراد حاضر در فضاهایی همچون پارک، باغ وحش، کنار دریا و دریا غالباً مردان و پسران هستند. فضای مشترک نیز با وجود آن که مورد استفاده هر دو جنس قرار دارد، اما هم تعداد مردان نسبت به زنان در این اماکن بیشتر است و هم تصاویری که صرفاً مردان در آن‌جا حضور دارند. به طور مثال، در رابطه با فضاهای مشترک سال ۱۳۶۲ (بازار، خیابان و مدرسه) و سال ۱۳۸۲ (خیابان، مدرسه و مسجد) شاهد این امر هستیم.

جدول ۱- مقوله «جنسیتی شدن فضا و مکان» برحسب سه سال ۱۳۵۷، ۱۳۶۲ و ۱۳۸۲

مفاهیم جزئی						فراوانی و توزیع درصد ستونی					
						۱۳۵۷	۱۳۶۲				
حضور زن در خانه						۲۲	۶۵٪	۱۴	۴۱٪	۲۰	۲۶٪
حضور مرد در خانه						۵	۱۴٪	۵	۱۴٪	۷	۹٪
حضور زن در بازار						۰	۰٪	۰	۰٪	۹	۱۲٪
مردانه شدن فضای عمومی (جز بازار و خیابان)						۰	۰٪	۱۶	۴۵٪	۲۹	۳۷٪
فضای مشترک (غالباً مورد استفاده مردان)						۸	۲۱٪	۰	۰٪	۱۲	۱۶٪

با توجه به جدول فوق، جنسیتی شدن فضا و مکان، از مقولاتی است که در هر سه سال انعکاس یافته است. در سال ۱۳۵۷، زنان عمدتاً در خانه نشان داده شده‌اند و صرفاً در موارد اندکی در بازار یا خیابان دیده می‌شوند، اما در مقابل، مردان تنها در زمان استراحت، در خانه دیده می‌شوند. سال ۱۳۶۲، باز هم حضور زنان در خانه جهت بازی و گذران زندگی روزمره، چشمگیر است، اما مردان، بیشتر در فضاهایی مانند طبیعت و تظاهرات دیده می‌شوند. سال ۱۳۸۲، خانه و بازار به عنوان فضاهایی زنانه نمایش داده شده‌اند و در مقابل، مردان در فضاهای عمومی به طور چشمگیری حضور دارند.

در هر سه سال یاد شده، جنسیتی شدن فضا و مکان، منعکس شده است. با این تفاوت که در سال ۱۳۵۷، فضاهای مشترک بیشتری دیده می‌شود، ولی در سال ۱۳۶۲، هیچ فضای مشترکی مشاهده نمی‌شود. در سال ۱۳۸۲، بازار به فضای زنانه افزوده شده است، خیابان و مدرسه نیز به عنوان فضایی مشترک، نشان داده شده است. به همین دلیل، شدت جنسیتی شدن فضاها قبل از انقلاب، کمتر از ۱۳۶۲ است. با این وجود، پس از افزایش جنسیتی شدن فضا در سال ۱۳۶۲، در سال ۱۳۸۲، کمی از شدت این مقوله کاسته شده است. به عبارتی باید گفت «جنسیتی شدن فضا و مکان» طی سه دوره مورد نظر، در ابتدا روندی صعودی و سپس، نزولی را طی کرده است.

۲- زنانه شدن ابراز احساسات عاطفی

دسته‌ای از مفاهیم، بیشتر معطوف به زنان است. عبارات مرتبط با دوست داشتن دیگران و محبت کردن به دیگران، عموماً معطوف به زنان است. آن‌ها به عنوان افرادی نمایش داده شده‌اند که احساسات خود را در موارد مختلف بیان می‌کنند. اما مردان به ندرت و با کیفیت کمتری به ابراز احساسات می‌پردازند. انجام اموری چون به استقبال رفتن، عیادت از بیمار و ابراز احساسات به دیگران، طبیعت و حیوانات نیز صرفاً توسط زنان منعکس شده است و مردان به ندرت در حال انجام چنین اموری دیده می‌شوند. به عنوان مثال، در صفحه ۹۶ کتاب ۱۳۶۲، تصویر خانواده‌ای را می‌بینیم که بر سر سفره

بررسی تحول فرهنگ جنسیتی در کتب درسی ... ۸۹

هفت سین نشسته‌اند. مادر خانواده، پسر بچه‌ای را روی پایش نشانده و به او لبخند می‌زند، اما پدر خانواده، در حال گفتگو با دیگران است. این در حالی است که در این تصویر، دختر هم سن و سال پسر بچه مذکور، در کنار پدر ایستاده و صرفاً نظاره‌گر سفره است و یا در صفحه ۵۵ همین کتاب چنین آمده است: «سارا جوجه خود را دوست دارد».

در صفحه ۴ کتاب سال ۱۳۸۲، در شعری از زبان دختر بچه خانواده آمده است: «وقتی بابا را دیدم فوری او را بوسیدم... بابا آمد به به به، مامان خندید قه قه»

جدول ۲- مقوله «زنانه شدن ابراز احساسات عاطفی» برحسب سه سال ۱۳۵۷، ۱۳۶۲ و

۱۳۸۲

مفاهیم جزئی						فراوانی و توزیع درصدی*					
						۱۳۸۲		۱۳۶۲		۱۳۵۷	
ابراز احساسات زنان						۲۰	۷۲٪	۱۱	۷۳٪	۹	۸۱٪
ابراز احساسات مردان						۸	۲۹٪	۴	۲۷٪	۲	۱۹٪
برخوردای زنان از احساسات عاطفی						۱۰	۳۸٪	۳	۵۰٪	۴	۵۷٪
برخوردای مردان از احساسات عاطفی						۱۶	۶۲٪	۳	۵۰٪	۳	۴۳٪

* برای مقایسه دقیق تر این مقوله هم در بین سال‌ها و هم درون هر سال، توزیع درصدی در این جدول، بر اساس موضوع در هر سال محاسبه شده است. بدین معنا که مجموع درصد ابراز احساسات در هر سال برابر ۱۰۰ است.

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود «زنانه شدن ابراز احساسات» در هر سه دوره مزبور مشاهده می‌شود، به طوری که ابراز احساسات زنان حدود ۲ الی ۴ برابر ابراز احساسات مردان انعکاس یافته است. علاوه بر این، با وجود آن که در سال ۱۳۸۲، ابراز

احساسات زنان بیش از ۲ برابر مردان منعکس شده است، دریافت محبت زنان، تقریباً نصف مردان انعکاس یافته است.

به طور کلی می‌توان گفت در هر سه دوره، ابراز احساسات عموماً به عنوان امری زنانه تلقی شده است؛ با این تفاوت که تنوع ابراز احساسات در سال ۱۳۸۲ بیشتر شده است. در دوره‌های قبل از انقلاب و سال ۱۳۶۲، تفاوت چندانی در برخورداری زنان و مردان از احساسات عاطفی وجود ندارد، ولی در سال ۱۳۸۲، به جای بهبود این وضعیت، برخورداری عاطفی نیز رنگی جنسیتی پیدا کرده است و مانند تمام امور جنسیتی دیگر به نفع مردان بوده و زنان با وجود ابراز احساسات عاطفی بیشتر، از دریافت محبت به مراتب کمتری برخوردارند.

۳- جنسیتی شدن نقش‌ها

در دسته‌ای از عبارات و تصاویر، نقش‌های متفاوتی برای زنان و مردان در نظر گرفته شده است؛ به طوری که در مورد زنان، شاهد غلبه نقش مادری بر سایر نقش‌ها هستیم. اما در مورد مردان، عموماً غلبه نقش پدری بر سایر نقش‌ها؛ به مراتب کمتر از قرینه آن برای زنان است. در سال ۱۳۶۲، علاوه بر این که نقش مادری، بیشتر از نقش پدری است، در تمام کتاب، نام کوچک هیچ زنی در نقش‌های شغلی و یا خانوادگی‌اش ذکر نشده است و تنها نام دختران در کتاب مشاهده می‌شود. اما در مقابل، علاوه بر آن که مردان، نقش‌های مستقلی از نقش پدری دارند، نام کوچک‌شان در نقش‌های شغلی و نیز خانوادگی‌شان بیان شده است. به عنوان مثال، در صفحه ۶۴ کتاب سال ۱۳۶۲ آمده: «اسم پدر اکرم و امین، مجید است. مجید و کریم و اکبر با هم کار می‌کنند. مجید بناست... کریم نجار است... اکبر هم نقاش است». در واقع به هویت مستقل از نقش خانوادگی این افراد نیز اشاره شده است.

جدول ۳- مقوله «جنسیتی شدن نقش‌ها» برحسب سه سال ۱۳۵۷، ۱۳۶۲ و ۱۳۸۲

مفاهیم جزئی						فراوانی و توزیع درصدی*					
						۱۳۵۷		۱۳۶۲		۱۳۸۲	
						زن در نقش مادری	۱۸	%۸۶	۱۸	%۸۶	۳۵
زن در سایر نقش‌ها	۳	%۱۴	۳	%۱۴	۱۹	%۳۶					
مرد در نقش پدری	۱۱	%۶۵	۱۶	%۴۴	۲۹	%۳۶					
مرد در سایر نقش‌ها	۶	%۳۵	۲۰	%۵۶	۵۰	%۶۴					

* برای مقایسه دقیق تر این مقوله هم در بین سال‌ها و هم درون هر سال، توزیع درصدی در این جدول، بر اساس جنس در هر سال محاسبه شده است. بدین معنا که مجموع درصد هر جنس در هر سال برابر ۱۰۰ است.

با توجه به جدول ۳، در سال ۱۳۵۷، زنان ۸۶ درصد موارد در نقش مادر و تنها ۱۴ درصد در نقش‌های دیگر دیده می‌شوند اما مردان، ۶۵ درصد موارد در نقش پدر و ۳۵ درصد در سایر نقش‌ها ظاهر شده‌اند. در سال ۱۳۶۲ وضعیت زنان درست مانند قبل بوده و اما نقش پدری مردان کاهش یافته چرا که در ۴۴ درصد موارد، نقش پدر و در ۵۶ درصد سایر نقش‌ها را به عهده دارند. سال ۱۳۸۲ زنان در ۶۴ درصد موارد نقش مادری و ۳۶ درصد سایر نقش‌ها را به عهده دارند؛ اما مردان دقیقاً برعکس در ۳۶ درصد موارد، نقش پدری و در ۶۴ درصد موارد، سایر نقش‌ها را به عهده گرفته‌اند.

تفاوت این مقوله در سه سال مورد نظر به این شرح است: در سال ۱۳۸۲، با افزایش نقش‌های غیر خانوادگی زنان و مردان رو به رو هستیم. در قالب یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که در هر سه سال مورد نظر، نقش‌های متفاوتی برای زنان و مردان، نمود یافته است و با گذشت سه دهه، در سال ۱۳۸۲ تنها افزایش ناچیز نقش‌های غیر خانوادگی زنان و همچنین بهبود اندک نابرابری جنسیتی را شاهد هستیم. به عبارت دیگر، همچنان نقش خانوادگی زنان، بسیار پر رنگ تر از نقش‌های اجتماعی ایشان

انعکاس یافته است و تنها در سال ۱۳۸۲، برخی از نقش‌های اجتماعی آنان مانند کشاورز، دامدار، قالی باف و معلم، نسبت به سال‌های قبل افزوده شده است. از این رو، در انعکاس نقش‌های زنان در این سال، با نابرابری کمتری مواجه هستیم.

۴- جامعه پذیری نقش‌های جنسیتی توسط والدین

دختران در فرایند تعامل خود با والدین، بیشتر با مادر در ارتباط هستند و در امور مربوط به منزل به مادر کمک می‌کنند و یا در حال یادگیری از مادر هستند. تعاملات پسران نیز در اکثر موارد با پدرانشان و در راستای یادگیری از آنهاست. به این ترتیب، علاوه بر آن که ارتباط فرزندان، بیشتر با والدین همجنس خودشان است، دختران، رفتار مادر و پسران، رفتار پدرانشان را درونی می‌کنند.

برای نمونه، در سال ۱۳۵۷، در صفحه ۴۲ چنین آمده است: «سارا به مادرش کمک می‌کند. سارا سبزی پاک می‌کند». در صفحه‌های ۸۰ و ۸۱ سال ۱۳۶۲ نیز آمده است: «اصغر در آبیاری و سمپاشی به پدرش کمک می‌کند».

جدول ۴- مقوله «جامعه پذیری نقش‌های جنسیتی توسط والدین» برحسب سه سال ۱۳۵۷،

۱۳۶۲ و ۱۳۸۲

فراوانی و توزیع درصد ستونی						مفاهیم جزئی
۱۳۸۲		۱۳۶۲		۱۳۵۷		
۰	٪۰	۷	٪۴۱	۸	٪۶۶	جامعه پذیری دختر از مادر
۰	٪۰	۱۰	٪۵۹	۴	٪۳۴	جامعه پذیری پسر از پدر

۹۳ بررسی تحول فرهنگ جنسیتی در کتب درسی ...

مطابق جدول ۴، این مقوله تنها در دو سال ۱۳۵۷ و ۱۳۶۲ در کتاب‌ها منعکس شده است؛ به طوری که دختران، بیشتر در تعامل با مادر و در حال یادگیری از او نشان داده شده‌اند و پسران، در حال یادگیری و تعامل با پدر نشان داده شده‌اند.

«جامعه پذیری نقش‌های جنسیتی توسط والدین» به عنوان مقوله‌ای کلی، در دوره‌های قبل از انقلاب و دوره نخست بعد از انقلاب، مشاهده می‌شود. با این تفاوت که در سال ۱۳۵۷، جامعه پذیری توسط والدین، با شدت کمتری نسبت به سال ۱۳۶۲ منعکس شده است؛ چرا که در این سال، گرچه تعاملات پدر- پسر و مادر- دختری وجود دارد، اما نسبت به سال ۱۳۶۲، این تعاملات و آموزش مستقیم از والدین، به مراتب کم‌رنگ‌تر است. به عنوان مثال، در سال ۱۳۶۲، به طور مستقیم آموزش خیاطی مادر به دختر، و نیز آموزش ساخت میز توسط پدر به پسر را شاهد هستیم. شایان ذکر است که عدم وجود مقوله مذکور در سال ۱۳۸۲، نشانه عدم توجه این کتاب به امر جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی نیست، بلکه این امر به صورت‌های گوناگون انعکاس یافته است؛ به طوری که این انعکاس، هم در قالب جنسیتی شدن نقش‌ها و هم در شکل زنانه شدن ابراز احساسات و... نمود داشته است. بنابراین، فرایند جامعه‌پذیر شدن دانش‌آموزان را خود کتاب برعهده دارد. باید یاد آور شد که در دو دوره دیگر، علاوه بر این که جامعه‌پذیر شدن دانش‌آموزان را خود کتاب برعهده دارد، جامعه‌پذیری دانش‌آموزان از والدین نیز به صورت آشکاری انعکاس یافته است.

۵- جنسیتی شدن استقلال کودکان از والدین

دختر یا پسر بودن کودکان، بر کسب استقلال و یا وابستگی آنها از والدینشان تأثیر گذار است. به این صورت که دختران، بیشتر به صورت افرادی وابسته به والدین نشان داده شده‌اند؛ حال آن که پسران عموماً به عنوان افرادی مستقل از والدین خود در نظر گرفته شده‌اند. به عنوان مثال، در سال ۱۳۸۲، همراهی والدین با دختران در پارک، رفتن به مدرسه و خرید را شاهد هستیم؛ درحالی که برخی از پسران، در پارک‌ها، باغ وحش و

یا برای رفتن به مدرسه، مستقل از والدین خود عمل می‌کنند (از آن جا که در سه کتاب مذکور، هیچ عبارتی در رابطه با این مقوله وجود نداشت، این مقوله صرفاً بر اساس تحلیل تصاویر، ساخته شده است).

جدول ۵- مقوله «جنسیتی شدن استقلال کودکان از والدین در روابط اجتماعی» برحسب

سه سال ۱۳۵۷، ۱۳۶۲ و ۱۳۸۲

مفاهیم جزئی						فراوانی و توزیع درصدی*					
						۱۳۸۲		۱۳۶۲		۱۳۵۷	
						وابستگی دختر به والدین		۸	٪۰	۰	٪۰
استقلال دختر از والدین		۳	٪۰	۰	٪۰	۰	٪۰	۰	٪۰		
وابستگی پسر به والدین		۵	٪۰	۰	٪۰	۰	٪۰	۰	٪۰		
استقلال پسر از والدین		۱۷	٪۰	۰	٪۰	۰	٪۰	۰	٪۰		

* برای مقایسه دقیق تر این مقوله، توزیع درصدی در این جدول، بر اساس جنس در هر سال محاسبه شده است. بدین معنا که مجموع درصد هر جنس در هر سال برابر ۱۰۰ است.

با توجه به جدول ۵، این مقوله تنها در سال ۱۳۸۲ به چشم می‌خورد؛ به طوری که دختران در روابط اجتماعی، در ۲۷ درصد از موارد، مستقل از والدین، اما در ۷۳ درصد موارد، وابسته به والدین نشان داده شده‌اند. در همین کتاب، ۲۲ درصد از روابط اجتماعی پسران، وابسته به والدین و ۷۸ درصد موارد، مستقل از والدین است. می‌توان گفت آنچه بیشتر در رابطه با دختران نمود یافته، وابستگی آنان به والدین است؛ اما در مورد پسران، بیشتر، استقلالشان از والدین، نمود یافته است.

یافته‌ها نشان می‌دهد تنها در یکی از این دوره‌ها- سال ۱۳۸۲- مقوله «جنسیتی شدن استقلال کودکان» دیده می‌شود. در دو دوره دیگر، استقلال یا عدم استقلال هیچ کدام از

بررسی تحول فرهنگ جنسیتی در کتب درسی ... ۹۵

دو جنس، منعکس نشده است. مثلاً در سال ۱۳۵۷، بیشتر دانش آموزان، به همراه خواهر یا برادر خود به مدرسه می‌روند و همه دانش آموزان از هر دو جنس، برای خرید همراه خانواده در بازار دیده می‌شوند و تنها در سال ۱۳۸۲ در مورد چگونگی استقلال دو جنس، تفاوت‌هایی وجود دارد. شاید یکی از دلایل نپرداختن کتاب‌های دو دوره قبل به جنسیتی شدن یا نشدن استقلال کودکان این است که اولاً در کتاب‌های هر دو دوره مذکور، تصاویر بسیار کمتر، نسبت به سال ۱۳۸۲ وجود دارد (این مقوله بیشتر از دل تصاویر بیرون کشیده شده است) و دوم آن که تصاویر، بانمای بسته، نشان داده شده و عموماً تصویر همان فرد و خانواده‌اش می‌باشد که از او صحبت شده است. به عبارت دیگر، افراد در نمای باز و فضاهای پر جمعیت و عمومی‌تر مانند پارک‌ها یا باغ وحش‌ها بسیار کمتر نشان داده شده‌اند.

۶- جنسیتی شدن تفریحات

با توجه به این که تفریحات مد نظر در این تحقیق، شامل هر گونه بازی و سرگرمی و ورزش است، این گونه فعالیت‌ها برای دو جنس، به طور متفاوت نشان داده شده‌اند. برای مثال، در مواردی از قبیل «توپ بازی با دست توسط دختران» و «توپ بازی با پا توسط پسران»، صفحه ۳۳ کتاب فارسی ۱۳۵۷ تصویر دختری را نشان می‌دهد که در حال انداختن توپ برای پسر است. و در زیر آن نوشته: «پروین توپ را می‌اندازد. پروین توپ را با پا می‌زند». یا در سال ۱۳۶۲: «ژاله دوست اکرم شاخه گلی را در گلدان کاشته بود». یا در صفحه ۷۴، همان کتاب: «طاهره و فاطمه باهم دوست هستند، آن‌ها در یک طرف حیاط طناب بازی می‌کنند».

در صفحه ۴۷ همان کتاب: «امین با آچار، پیچ دوچرخه را سفت می‌کند».

در صفحه ۷۴ همان کتاب: [تصویر دانش آموزان پسر] «یک روز دانش آموزان با معلم خود به گردش رفتند، آن‌ها به یک مزرعه گندم نزدیک دبستان رفتند. معلم درباره شخم زدن، دانه پاشیدن و درو کردن برای بچه‌ها صحبت کرد». یا در کتاب ۱۳۸۲،

عبارات و تصاویر متعددی مشاهده می‌شود که دختران در حال انجام تفریحاتی همچون والیبال، تاب بازی، نرمش، پینگ پنگ و پارک رفتن (با والدین) هستند و پسران، به خانه سازی، هوا کردن بادبادک، قایق سواری، سفر علمی، بازدید از باغ وحش، ماسه بازی، سوارکاری، وزنه‌برداری، رفتن به پارک، گردش در طبیعت، تفریح در طبیعت، ماهی‌گیری، قایق سواری و درست کردن آتش مشغولند.

جدول ۶- مقوله «جنسیتی شدن تفریحات» برحسب سه سال ۱۳۵۷، ۱۳۶۲ و ۱۳۸۲

فراوانی و توزیع درصد ستونی						مفاهیم جزئی
۱۳۸۲		۱۳۶۲		۱۳۵۷		
۳۲٪	۹	۲۴٪	۵	۳۳٪	۱۱	تفریحات دختران
۴۶٪	۱۳	۵۲٪	۱۱	۴۰٪	۱۳	تفریحات پسران
۲۲٪	۶	۲۴٪	۵	۲۷٪	۹	تفریحات مشترک (غالباً توسط پسران)

این مقوله، در هر سه سال دیده می‌شود؛ به طوری که در سال ۱۳۵۷، تنها ۲۷ درصد از تفریحات، توسط هر دو جنس انجام شده و سایر آن‌ها غیرمشترک است. در سال ۱۳۶۲، ۲۴ درصد آن‌ها مشترک و مابقی، غیرمشترک بوده و در سال ۱۳۸۲، تنها ۲۲ درصد تفریحات را هر دو جنس انجام داده‌اند و سایر تفریحات، غیرمشترک بوده است. بنابر یافته‌های تحقیق حاضر، در سال ۱۳۸۲، این جنسیتی شدن تفریحات، با شدت بیشتری مشاهده می‌شود؛ چرا که فعالیت‌ها تفریحی برای زنان، بسیار کمتر شده است. علاوه بر آن که در این سال، تفریحات زنان متفاوت از مردان است، زنان غالباً در خانه و نهایتاً در بازار حضور دارند. در واقع مردان، هم از فضاها و مکان‌های بیشتری استفاده کرده‌اند و هم از تنوع تفریحی و ورزشی بسیار بیشتر برخوردارند. یافته‌های این مقوله

نشان می‌دهد «جنسیتی شدن تفریحات» در سال ۱۳۸۲ نسبت به دو دوره قبل از خود، به سمت تفاوت بیشتر بین دو جنس پیش رفته است.

نتیجه‌گیری

نتایج یافته‌های این تحقیق به طور خلاصه نشان دهنده حاکمیت نوع خاصی از فرهنگ جنسیتی - فرهنگ جنسیتی مردسالارانه - بر سه کتاب فارسی اول ابتدایی سال‌های ۱۳۵۷، ۱۳۶۲ و ۱۳۸۲ است؛ فرهنگی که بیش از آن که به برابری جنسیتی دامن بزند، جنسیتی شدن را به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه القا می‌کند. بر اساس یافته‌های این تحقیق، علاوه بر آن که تفریحات زنان، متفاوت از مردان است، زنان غالباً در خانه و نهایتاً در بازار حضور دارند. حتی در سال ۱۳۸۲، جنسیتی شدن تفریحات، با شدت بیشتری مشاهده می‌شود؛ چرا که این نوع فعالیت‌ها برای زنان، بسیار کمتر شده است. در واقع مردان، هم از فضاها و مکان‌های بیشتر استفاده کرده‌اند و هم از تنوع تفریحی و ورزشی بسیار بیشتر برخوردارند.

این یافته‌ها همسو با یافته‌های حجازی (۱۳۸۵) است که نتیجه می‌گیرد در کتب درسی، حضور زنان در عرصه‌های سیاسی، علمی، ورزشی و دینی، بسیار کمتر از مردان ترسیم شده است. همچنین افشانی و همکاران (۱۳۸۸) نتیجه می‌گیرند که به طور کلی، حضور مردان در مدرسه، محل کار، جامعه، صحرا و فضای آزاد، بیشتر از حضور زنان در این مکان‌هاست.

تحقیق حاضر با استخراج مقوله «زنانه شدن ابراز احساسات عاطفی» به این نتیجه دست می‌یابد که در هر سه کتاب مورد مطالعه، انعکاس ابراز احساسات زنان، به مراتب بیش از مردان است و اموری چون گُل دادن به یکدیگر و در آغوش گرفتن، بیشتر از سوی زنان انجام می‌شود و در تصاویر و جملات مربوط به مردان، چنین ابراز احساساتی بسیار کمتر دیده می‌شود. این نتایج، یافته‌های تحقیق فروتن (۱۳۹۰) را تأیید می‌کند. بنابر تحقیق یاد شده، در مواردی که موضوع، بیشتر جنبه عاطفی پیدا می‌کند، حتی به طور کم

سابقه‌ای، واژه مونث از واژه مذکر پیشی می‌گیرد (مثلاً کلمه «مادر» تا حدودی بیش از کلمه «پدر» در این کتاب‌ها استفاده و تکرار شده است). همچنین نتیجه پژوهش نیوبای و لی (۱۹۹۵) نشان می‌دهد نقش‌های مربوط به مراقبت از اعضای خانواده و حمایت عاطفی، در ۴۶ جامعه از ۵۶ جامعه مورد مطالعه، به زنان اختصاص دارد.

یکی دیگر از یافته‌های تحقیق حاضر حاکی از آن است که هر سه کتاب، نقش را امری جنسیتی شده تلقی کرده‌اند؛ چنان که مرد، بیشتر در نقش‌های اجتماعی به مثابه شخصیتی مستقل از نقش پدری، در نظر گرفته شده است. اما زنان، بیشتر در نقش مادریشان شناخته شده‌اند. تنها در سال ۱۳۸۲، نسبت به دو سال دیگر، افزایشی در نقش‌های اجتماعی زنان را شاهد هستیم. اما از آن جهت که نقش‌های مشترک زنان و مردان طی سه دوره بسیار اندک باقی مانده، می‌توان نتیجه گرفت که این مقوله به قوت قبل باقی است. این یافته همسو با یافته‌های تحقیقات قبلی است. به عنوان مثال یافته‌های حجازی (۱۳۸۵) نیز فقدان تعادل در نقش‌های جنسیتی در محتوای کتاب‌های درسی را به نفع مردان گزارش کرده است. بر مبنای نتایج مطالعه یاد شده، حضور زنان و دختران در کتاب‌های درسی، به نفع مردان است؛ به طوری که نقش خانوادگی زنان و دختران عمدتاً به وظایف خانگی محدود شده است و تقسیم وظایف خانگی، معرف حضور کلیشه‌های جنسیتی است. مطالعات انجام شده در بسیاری از نقاط مختلف جهان نیز نشان می‌دهد که در کتاب‌های درسی، کلیشه‌های جنسیتی و تفکرات قالبی در خصوص نقش‌های جنسیتی، به شکل‌های گوناگون و با درجات مختلف، انعکاس می‌یابد؛ به طوری که ویتزمن و همکارانش (۱۹۷۲) نشان می‌دهند زنان عمدتاً در قالب نقش‌های سنتی و انجام فعالیت‌های خانگی به تصویر کشیده شده‌اند، اما مردان، بیشتر در قالب نقش‌های غیرسنتی و انجام فعالیت‌های خارج از خانه نمایش داده شده‌اند. همچنین در تحقیقاتی داخلی، افشانی و همکاران (۱۳۸۸) نتیجه می‌گیرند که کتاب‌های درسی، شخصیت مادر را بیش از پدر منعکس کرده‌اند. علاوه بر آن، اگر چه تعداد و تنوع مشاغل معرفی شده در محتوای کتب درسی، افزایش یافته است اما در سال‌های اخیر،

نسبت مشاغل زنان به کل مشاغل، کاهش یافته است؛ در حالی که این نسبت در رابطه با مردان افزایش نشان می‌دهد. نتایج تحقیق هاشمی (۱۳۸۷) نیز در همین زمینه حکایت از آن دارد که نقش‌های شغلی تصویر شده روی جلد برخی کتاب‌ها عمدتاً مشاغلی هستند که در جامعه ما به طور سنتی برای زنان پذیرفته شده است.

بنابر آنچه گفته شد، با وجود تغییراتی که در شکل و ظاهر این کتاب‌ها رخ داده است، محتوای درونی آن‌ها از لحاظ پرداختن به مفهوم جنسیت تا اندازه زیادی یکسان باقی مانده است و مسأله هویت نیز همچنان به عنوان امری جنسیتی شده تلقی شده و تنها تغییرات بسیار کمی طی این سه سال وجود داشته است. در این راستا افشانی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق خود نتیجه می‌گیرند که تا کنون توجهی آگاهانه و هدفمند در پرداختن به مقوله جنسیت در محتوای کتاب‌های درسی وجود نداشته است.

در یک نگاه کلی می‌توان گفت مفهوم «هویت جنسیتی شده»، پیوند دهنده تمامی مقولات پژوهش حاضر است؛ چرا که این مفهوم، تمام مقولات یاد شده را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، هویت، برساخته‌ای اجتماعی است و افراد، هویتی را می‌یابند که جامعه از آن‌ها به عنوان زن یا مرد انتظار دارد. این مسأله، هویت را به امری دو پاره (زنانه- مردانه) تبدیل کرده است که می‌توان آن را به طور واضح در هر سه کتاب مورد مطالعه، ردیابی کرد. چنین وضعیتی می‌تواند بر هویت مناسب افراد جامعه، تأثیرات نامطلوبی برجای گذارد.

پیشنهادها

- توجه به نتایج تحقیقات انجام شده پیرامون «مسأله جنسیت در کتاب‌های درسی» توسط سازمان تدوین کتب درسی.
- بهره‌گیری از نتایج این قبیل تحقیقات در جهت اصلاح کتب درسی.
- استفاده از جامعه‌شناسان فمینیسم جهت همکاری در زمینه طراحی و تدوین کتب آموزشی.

- انجام اصلاحاتی در راستای یکسان سازی اهمیت نقش‌های خانوادگی و غیرخانوادگی هر دو جنس در کتاب‌های درسی. این اصلاحات باید در این راستا اعمال گردد که مردان نیز به نقش‌های مهم خانوادگی خود بیشتر توجه کنند.
- نشان دادن فعالیت‌های تفریحی و غیرتفریحی متنوع توسط هر دو جنس.
- پرداختن به ابراز احساسات از طرف هر دو جنس، درون متن و تصاویر کتاب‌ها.
- انجام مطالعه‌ای تطبیقی با کشورهای که فرهنگ برابری جنسیتی را در متون خود اعمال کرده‌اند تا با بومی سازی نتایج آن بتوان گام‌های موثرتری در تدوین کتب برداشت.
- «زنانه شدن ابراز احساسات»، در خور مطالعه‌ای عمیق در جامعه است؛ زیرا می‌توان مدعی شد که در جامعه ما یکی از اساسی‌ترین علل آن، که از طریق آن، رفتارهای یک فرد، زنانه و یا مردانه تلقی می‌شود همین نگاه جنسیتی به ابراز احساسات است.
- اعمال نگاهی انتقادی که جنبه‌های مختلف جنسیتی شدن را در شکل و قالب‌های متعدد آن بررسی کند، شایسته توجه است.
- تحقیقاتی شامل این موضوع که کدام یک از کارگزاران جامعه پذیری، در تحول فرهنگ جنسیتی موثرترند، برای تغییرات مثبت آینده، اهمیت شایانی دارند.

منابع

- اسدی، مرتضی. (۱۳۸۹)، امر اخلاقی در ضرب المثل‌های ایرانی. *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبائی، مطالعات فرهنگی.
- اشتراوس، انسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۹۰)، *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.

بررسی تحول فرهنگ جنسیتی در کتب درسی ... ۱۰۱

- افشانی، سیدعلیرضا؛ عسکری ندوشن، عباس؛ فاضل نجف آبادی، سمیه. (۱۳۸۸)،
باز تولدی نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی. *پژوهش زنان*،
دوره ۷، شماره ۱.

- باردن، لورنس. (۱۳۷۵)، *تحلیل محتوا*، ملیحه آشتیانی و محمد یمنی‌دوزی
سرخابی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- بستان، حسین. (۱۳۸۵)، بازنگری نظریه نقش جنسیتی، *پژوهش زنان*، دوره ۴،
شماره ۱ و ۲، بهار تابستان.

- جنکیز، ریچارد. (۱۳۸۱)، *هویت اجتماعی*، تورج یار احمدی، تهران: نشر شیرازه.
- حجازی، الهه؛ براتیان، مسعود. (۱۳۸۶)، سیمای زن در کتاب‌های فارسی دوره
ابتدایی: راهی به سوی دستیابی به فرصت برابر، *فصلنامه خانواده و پژوهش*،
سال اول، شماره ۲۰.

- حجازی، الهه. (۱۳۸۵)، *بررسی تحلیل کتاب‌های فارسی و تعلیمات دینی دوره
ابتدایی*، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و
پرورش.

- حجازی، الهه؛ اعزازی، شهلا. (۱۳۸۵)، *ما و دختران امروز، روان شناسی جنسیت،
آموزش و پرورش و توسعه*، تهران: دفتر امور زنان وزارت آموزش و پرورش.

- ذکایی، محمدسعید. (۱۳۸۱)، نظریه و روش در تحقیقات کیفی، *فصلنامه علوم
اجتماعی*، شماره ۷.

- رسولی، مهستی؛ اتشانی، امیر. (۱۳۹۰)، *رویکرد تحلیل محتوا در کتب درسی*،
تهران: نشر افکار.

- ریتز، جورج. (۱۳۸۳)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، محسن ثلاثی،
تهران: انتشارات علمی.

- شیخاوندی، داور. (۱۳۸۵)، بازتاب هویت‌های جنسیتی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی آموزش ابتدایی و دوره راهنمایی تحصیلی، *فصلنامه تعلیم و تربیت* شماره ۸۷.
- صادقی جعفری، جواد. (۱۳۸۷)، بررسی سیمای زن در ادبیات کودکان با تأکید بر تغییرات اجتماعی، *مطالعات زنان*، دوره ۶.
- فروتن، یعقوب. (۱۳۸۹)، جامعه‌پذیری جنسیتی در کتاب‌های درس مدارس ایران، زن در توسعه و سیاست، *پژوهش زنان*، دوره ۸، شماره ۳۰.
- فروتن، یعقوب. (۱۳۹۰)، زنان و زبان: بازنمایی هویت جنسیتی در کتاب‌های زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی مدارس ایران. *مطالعات زنان*، پاییز، شماره ۲، سال ۹.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳)، *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*، تهران: نشر نی.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۸)، *در آمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- قادری، مصطفی. (۱۳۸۹)، *نظریه‌های انتقادی تعلیم و تربیت: نقد برنامه درسی مدرنیته و سرمایه داری متأخر*، تهران: یادواره کتاب.
- گرت، استفانی. (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی جنسیت*، کتابیون بقایی، تهران: نشر دیگر. چاپ سوم.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷)، *تجدد و تشخیص جامعه و هویت فردی در عصر جدید*، ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- مجتهدی، مهین. (۱۳۸۱)، *بررسی باورها و ارزش‌های دانش‌آموزان، خانواده، در کتاب‌های درسی درباره تساوی جنسیتی*، در همایش ملی مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش، ۲۰ و ۲۱ مرداد.

- بررسی تحول فرهنگ جنسیتی در کتب درسی ... ۱۰۳
- محمدپور، احمد؛ بوستانی، داریوش؛ صادقی، رسول؛ رضایی، مهدی. (۱۳۸۸)، تحقیق فمینیستی: مبانی پارادیمی و مجادله‌ای انتقادی. پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۲۱.
- محمدپور، احمد. (۱۳۸۸)، تحلیل داده‌های کیفی: رویه‌ها و مدل‌ها، مجله انسان شناسی، دوره دوم، سال یکم، شماره پیاپی ۱۰.
- محمدی اصل، عباس. (۱۳۸۶)، جنسیت و دیدگاه‌های نئو فمینیستی، تهران: گلرنگ یکتا.
- محمدی اصل، عباس. (۱۳۸۹)، جنسیت و زبان شناسی اجتماعی، تهران: نشر گل آذین.
- نرسیسیانس، املیا. (۱۳۸۵)، مردم‌شناسی جنسیت، نشر افکار.
- هولمز، ماری. (۱۳۸۹)، جنسیت و زندگی روزمره، محمدمهدی لیبی، تهران: نشر افکار.
- Butler, Judith. (1990). *Gender Trouble: Feminism and the subversion of identity*, London: Routledge.
- Mayring, Philipp. (2000). *Qualitative Content Analysis. Theories Methods Applications*. Volume 1, No. 2, June.
- Krippendorff, Paisly, G.J & Ph.J. (1969). Stone (Eds), *The Analysis of Communication Content*, New York: Wiley.

